

بود و بر بنیاده شخصی مشتمل در هر روی بنیاده وی نهاد وی برخواست و بنیاده
پیشانی اند و آن سیمها در خاک و سنجک و کفتان نشسته که به پیش ازین وقت
آمد است آنکس گوید هرگز کسی بجز وی ندیده که چنان آید و بداند خود که آن سیم چه
چیز دراز تر ازین فصل بازی در صری صد هزار در هر یک است و بسیار شبید
چون با حویش آن آمد و از حال با علم آقا در ده روز مانده بود کفتان را در تمام
بکار هرگز کفتان چه بود که در آن وقت با علم آقا در ده روز مانده بود کفتان را در تمام
و از وی پرسید که صد هزار در میراث یافتیم بیستیدم ده در هر ما ندیدیم کفار
بزد و خواص کفتان این ترا از آن آقا در آن وقت از آن شریقی آب خورده بودی چرا نیست
ما از روی نا آگاهی این یکصد هزاران لوسه بردست وی زد و کفت فدای آنست
که چون تامل کرد از وجه با علم آقا یعنی با جهل بنیاد شخصی از شنبه پرسید
که از دویست در هر چه در کتب تبار داد و مراد از دویست کفت آن تو بگویم یا آنست
کفت آن تو کلام مست و آن من کلام کفت ترا از دویست در هر چه در هر سیاد داد و مرا
از دویست رویت و پنج در کفت این رویت خود ام آن پنج چیست کفتان از تو
در هر که داری بدی و پنج دیگر نام کفت این مذهب کیت کفت مذهبها بود که در
رضی الله تعالی عنه **ابراهیم بن علی بن سید العزیز** الاصفهان بوده و صحبت
با معروف کتبی داشته ابراهیم خواص کفته است در بغداد بود در هر که در جمله
می ساختن کسی یاد بدید آن جانب در جمله روی آبی یاد روی سید بن

که صرف و حساب
کرد در هر چه در کتب
طبع

که زکوة و دویست در هر بود
تا صدق فوض و نقل بود
وجود که در

و کفتم بجزرت جلال تو که روی نداده تا این سرور ندانم ابراهیم بن علی یاد دیدم
پیا مد و بر لبها بنیاد و کفت هر که که خواهر که کسی با از ملیای چیز شناسی این
بگوی همو که اول و آخر و انظار و کلمات و هم در کتب کتب و کلمات و کلمات
در سنه سبع و اربعین و ما بین بود با اصفهان **ابراهیم بن ثابت رحمه الله تعالی**
کبتا و ابو ایمن است از مشایخ بغداد بود و با جنید قدس سر صحبت داشته شیخ
ابو عبد الله سلی کفته است که وی یاد دیدم کفتم مراد عیسی کفت اختیار تو از آن
نهاده اند در آن به از معارضه وقت و هم و بر کفتم صل و صیتی کفت کار
مکن که آنان بشیمان شوی و کلمات او در سنه تسع و ستین و ثمانی بود **ابو جحید**
جری قدس سر الله تعالی حسین الظریفه ثالثه است نام وی حسین بن محمد بن الحسین
و کفته اند حسین بن محمد و کفته اند عبد الله بن محمد از کبار اصحاب جنید بود و
از جنید کما حدیث وی با انا نذند از بزرگی وی از علمای مشایخ بود و بود صحبت با
بود با سهل عبد الله تفسیری در سال هجرت در جنگ قرامطه از لشکر کرامت سنه اثنی
عشره و قبل سنه اربع عشره و ثمانی در روایتی گوید من آن سال با آن مردمان بودم
از دست قرامطه بچشم چون رفتم با آن مردم بزد یک قافله شفقنا سال را تا مکه خسته
آب دهش را بنظر که حال ایشان از حلیت میان خستگان آن همی کفتم ابو جحید جری
بر الله دیدم میان خستگان آن آقا در سال وی از صلوات کرد کشته بود کفتم با شیخ
دعا کنی تا خدای تعالی این بلا کفتم که در کفتم که آن کفتم که من خواهر

عزیز است که در کتاب
از آن وقت که در کتب
چیز در آن کتب کتب
برای که معارضه است
بنیاد است

جری بن محمد بن
و سکون با مشایخ
داو مصلح تا
سه ای از وی در کتب
در سال هجرت
دو سال هر پنج
مؤسسه و سکون با
و در هر چه در کتب
سال هیبت است که
در آن موضع خلیف
از ملحد و خنوم
الله تعالی